



فقر دانش و روش در تصحیح جامع الشتات

علی اکبر زمانی نژاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامع الشتات، میرزای قمی، تصحیح و اهتمام: مرتضی رضوی، تهران، مؤسسه کیهان، بهار ۱۳۷۱، جلد اول، بیست و هفت + ۴۵۲ صفحه.

یکی از میراث‌های فرهنگی مسلمانان، کتب فقهی علمای پیشین است که احیاء آن در پیشرفت و ترقی فقه و حقوق اسلامی بسیار مؤثر است، مع‌الأسف به خاطر عدم اهتمام و خبرویت بعضی از افراد و مؤسسات و دفاتر و مراکز و بنیادها و... علاوه بر ضررهای سنگین به بیت المال، این آثار گرانبها به صورتی بس ناپسند و احیاناً غیر قابل استفاده عرضه می‌شود و از آن جمله است

تصحیح کتاب جامع‌الشتات تألیف محقق و مدقق بزرگ مرحوم میرزای قمی، از علمای سده دوازدهم و سیزدهم هجری و صاحب آثار بسیار و مورد استفاده عام و خاص.^۱ جامع‌الشتات کتابی ارزنده و کم نظیر است که نام اولیه آن السؤال و الجواب بوده و برخی این سؤال و جوابها را در دو باب جمع‌آوری کرده‌اند که باب اول آن را در عقائد دینی و مسائل کلامی و باب دوم را در احکام شرعی به ترتیب کتب فقهی تنظیم کرده‌اند. ولی به هنگام چاپ از آن ترتیب اولیه خارج شده، و مسائل شرعی به ترتیب کتب فقهی در اول کتاب و بعضی از مسائل کلامی در آخر کتاب قرار داده شده است.^۲

تصحیح این کتاب (جلد اول) اخیراً توسط مؤسسه کیهان به بازار کتاب عرضه شد که ۵۰۰ سؤال و جواب^۳ شامل مسائل طهارت و صلوات و زکات و خمس و صوم و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر در ۴۲۵ صفحه آمده است. کتاب با قطع وزیری و به ظاهر - کیفیت مناسب چاپ شده است و لیکن متن کتاب و پاورقی‌های آن با مقدمه مصحح به خاطر بی‌توجهی و عدم خبریت و کارآیی در تصحیح و آشنا نبودن با مسائل فقهی و رجالی و حدیثی و کتابشناسی و... باعث تخریب و تغلیط کتاب شده است. و می‌توان گفت که اگر کتاب چاپ شده را فقط با یک نسخه خطی و چاپی و یا با مآخذ آن از کتب روانی و فقهی و... مقابله می‌کردیم می‌توانستیم در هر صفحه، چندین اشتباه فاحش و بدون اغماض نشان دهیم و لیکن در این مکتوب تنها چندین اشکال از هر بخش به عنوان مشت نمونه خروار برای شما خوانندگان می‌آوریم. اشکالات و اغلاط در پنج بخش تنظیم شده است:

.....
 ۱ - برای اطلاع از شرح حال میرزای قمی به این کتابها رجوع شود. الروضة البهیة، ص ۲۵ - ۲۹؛ روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۶۹ - ۳۸۰؛ مستدرک الوسائل، ص ۳۹۹ (خاتمه)؛ الکنی و الالقباب، ج ۱، ص ۱۴۲؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۱؛ ریحانة الادب، ج ۴، ص ۱۲۵ - ۱۲۷؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳)، ج ۱، ص ۵۲ - ۵۴؛ اعلام زرکلی، ج ۶، ص ۱۸؛ وحید بهبهانی، ص ۲۵۷ - ۲۵۹؛ قم نامه، ۳۲۱ - ۳۲۴.

۲ - الذریعه، ج ۵، ص ۵۹ - ۶۰.
 ۳ - آخرین سؤال و جواب این جلد به شماره ۴۹۷ ختم شده است که به خاطر اشتباهاتی که در صفحات ۳۹۱ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و... در شماره گذاری سؤال و جوابها پیش آمده است قهراً بیش از ۵۰۰ سؤال و جواب خواهد بود.

- أ: اشتباهات پاروقی‌ها
 ب: اشکالات تصحیح متن کتاب
 ج: اشتباهات مقدمه
 د: اغلاط چاپی و شبه چاپی
 ه: ایراد و اشکال کلی و روشی

اشتباهات پاروقی‌های کتاب

۱- در صفحه ۴۰۷ آمده است:

«قال فی المنتهی: مصرف الجزیه مصرف الغنیمة...»

مصصح در پاروقی اظهار داشته است:

«الظاهرانه: منتهی مقاصد الانام فی نکت شرائع الاسلام»

اگر مصصح اندک توجهی به کتابشناسی کتب فقهی داشتند، این چنین

اشتباه واضحی نمی‌کردند؛ زیرا:

اولاً: میرزای قمی در جای‌جای کتاب تصریح دارد: «العلامه فی المنتهی» و

نظائر این تعبیر را می‌توانید در صفحات: ۵۴، ۲۰۵، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۹، ۳۰۶،

۳۳۹، ۳۴۹، ۳۷۱، ۴۰۶، ۴۰۹، ۴۱۴، ۴۲۲ و... بیابید.

ثانیاً: کتاب «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرائع الاسلام» حدود صد سال بعد

از میرزا تألیف شده است همچنانکه در ذریعه ج ۲۳/۱۳ آمده است: «منتهی مقاصد

الانام فی نکت شرائع الاسلام... للشیخ الفاضل المعاصر عبدالله بن الفاضل

المامقانی الشیخ حسن بن عبدالله...»

ثالثاً: در این مورد بخصوص در صفحه قبل (۴۰۶) مؤلف تصریح می‌کند که مراد از

منتهی در اینجا منتهی علامه است: «و فی التحریر مثل ما سننقله عن

المنتهی، و فی القواعد...»

و در صفحه بعد (۴۰۷) عبارت را نقل می‌کند: «قال فی المنتهی: مصرف

الجزیه مصرف الغنیمة...»

۲- در صفحه ۱۳۶ آمده است:

«...چون سند آن ضعیف است به سبب موسی بن عمر که مشترك است ما بین ثقه و غیر ثقه،... به قرینه روایت سعدبن عبدالله از او، و آن ثقه نیست»
 مصحح در پاورقی چندین اشتباه و غلط به میرزا نسبت داده:
 «دلیل این سخن معلوم نیست به سند حدیث توجه فرمائید: عنا [عنه] محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن موسی بن عمر... همه این سلسله سند توثیق شده‌اند... مرحوم میرزا میان وی و موسی بن عمر بن یزید اشتباه می‌کند که توثیق نشده است... بنابراین فرمایش میرزا... به قول خودش صورتی ندارد... و اساساً نام سعد بن عبدالله در این حدیث نیست».

و حال اینکه چندین اشتباه و غلط متوجه خود مصحح است نه میرزا؛ چون به خاطر عدم آشنایی مصحح با کتب روایی و نحوه ارجاعات صاحب وسائل به کتب اربعه (و غیر آن) پنداشته‌اند که این روایت را مرحوم کلینی در کافی نقل کرده است. لذا «عنه...» ای که در وسائل ج ۵/ ۵۳۰ آمده است ضمیرش را به صدر اولین روایت باب هفده که از کلینی نقل شده است، برگردانده و حال اینکه «عنه...» به ذیل روایت اول باب ۱۷ برمی‌گردد که چنین است: «محمد بن الحسن باسناده عن سعد».
 همانطور که ملاحظه شد:

اولاً: روایت از تهذیب، ج ۳/ ۲۲۱، ح ۵۵۲ است.

ثانیاً: سعد بن عبدالله در سند روایت وجود دارد.

ثالثاً: این روایت در هیچ یک از کتب روایی غیر از تهذیب نیامده است.

پس تمام نسبت‌هایی که به میرزا داده‌اند بی‌اساس است و تحلیلهائی که برای موسی بن عمر کرده‌اند بکلی عاری از حقیقت می‌باشد.

۳- در صفحه ۱۴۸ آمده است:

«لدلالة رواية معاوية بن شريح قال: سمعت...»

مصحح در پاورقی گوید:

«این حدیث هم از معاویة بن شریح و هم از معاویة بن میسرّة روایت شده است. از متون رجال از جمله جامع الروات [الرواة] اردبیلی صفحه ۲۳۸ ج ۲ و ص ۲۴۲ بر می‌آید که هر دو یکی هستند: معاویة بن میسرّة بن شریح قاضی

معروف».

و حال اینکه این نسبت ناروائی است که به صاحب جامع الرواة داده شده است؛ زیرا ایشان تصریح می‌کنند که اینها دو نفرند نه يك نفر، بنگرید به عبارت جامع الرواة، ج ۲/۲۳۸:

«الظاهر انه [معاوية بن شريح] ليس ابن ميسرة بن شريح لذكرهما الشيخ رحمه الله تعالى في الفهرست منفرداً و على حدة، و كذا ابن بابويه رحمه الله تعالى في مشيخة».

و مسلم است که اینها دو نفرند نه يك نفر، رجوع کنید به فهرست شیخ طوسی ص ۱۶۶ - ۱۶۷، و کتاب من لا یحضره الفقیه (مشيخه) ج ۴/۱۶ و ۶۵ (چاپ آخوندی)، معجم رجاله الحديث ج ۱۸/۲۰۶ - ۲۰۷ و ۲۱۹، و جامع الرواة ج ۲/۲۳۸ و ۲۴۲.

۴ - در صفحه ۳۵۲ میرزا فرموده است:

«... و قال في جامع المقاصد و في الشرع كك [كذلك] ليكن في قتال الكفار و من جرى مجريهم [مجراهم] لاعلاء كلمة الاسلام. اقول: قوله و في الشرع... قال: و يرد عليه قتال الكفار للامر بالمعروف... فيخرج عنه جهاد نحو البغاة و لعل مراده من النقض بقتال الكفار للامر بالمعروف لانه...».

مصحح در پاورقی ضمیر «مراده» را به علامه برگردانده و گفته اند:

«مرجع الضمير هو العلامة الحلبي لانه في مقام شرح قول العلامة في القواعد»

اولاً: همانطور که ملاحظه شد، جامع المقاصد به تعریف جهاد، نقض وارد کرده بود نه علامه، رجوع شود به جامع المقاصد ج ۳/۳۶۵ (چاپ مؤسسه آل البيت عليهم السلام).

ثانياً: علامه در قواعد در این مورد مطلبی بیان نکرده است تا در مقام شرح قول علامه در قواعد باشد، بلکه خود محقق ثانی، اول جهاد را تعریف کرده، سپس به این تعریف نقض وارد کرده که «يرد عليه...» پس باید مرجع ضمیر، محقق ثانی باشد نه «العلامة الحلبي»، و صرف نظر از این اشکالات يك بار دیگر به عبارت

پاورقی نگاه کنید که خود جمله «العلامه الحلی فی مقام شرح قول العلامه فی القواعد» صدر و ذیلش با هم تناقض دارد.

۵ - در صفحه ۴۶ آمده است: «شیخ علی در حاشیه قواعد و شرایع فرموده است...»

مصحح در پاورقی گوید: «مراد از حاشیه قواعد کتاب مهم جامع المقاصد است» و حال اینکه چنین پنداری غلط است؛ زیرا:

اولاً: محقق ثانی غیر از کتاب «جامع المقاصد فی شرح القواعد» کتاب دیگری به نام حاشیه بر قواعد نیز دارند، همانطوری که حاشیه بر شرائع و تحریر و مختلف و... دارند، و چندین نسخه خطی از حاشیه قواعد محقق ثانی در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) در قم به شماره‌های ۹۴۴، ۳۹۸۴، ۴۵۲۳، ۵۱۵۶، ۷۹۳۷ موجود است.^۲

در این باره نیز رجوع شود به الذریعه ج ۶/۱۷۱ و مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۱۲۴.^۵

ثانیاً: ولو اینکه این مسئله در جامع المقاصد (ج ۱/۱۶۲) آمده باشد دلیل نمی‌شود که هر کجا حاشیه بر قواعد گفته شد، مراد جامع المقاصد باشد، بله در صورتی که آن مسئله در حاشیه نباشد و در جامع المقاصد باشد آن وقت می‌توان ادعا کرد که مراد از حاشیه قواعد، جامع المقاصد است.

۶ - در صفحه ۵۳ آمده است: «شیخ زین الدین در بعضی تصنیفات خود...» مصحح در پاورقی گوید: «...شهید ثانی... کتاب الفیه شهید اول را دو بار در دو کتاب جدا از هم شرح کرده است، یکی را المقاصد العلیه [العلیه] نامیده که شرح کبیر است و دیگری شرح صغیر است که نامش همان شرح الفیه است و

.....

۴ - ناگفته نماند که بعضی از این نسخه‌های حاشیه قواعد، همان جامع المقاصد است و مؤلف فهرست نسخ خطی به اشتباه، آنها را حاشیه قواعد معرفی کرده است.

۵ - در این کتاب چندین نسخه دیگر از حاشیه قواعد محقق ثانی را معرفی کرده است که عبارتند از نسخ کتابخانه‌های دانشگاه و مجلس و وزیری یزد.

منظوراً [منظوراً] سؤال [سؤال] کننده همین کتاب است.»

اولاً: شهید ثانی الفیه را سه بار شرح کرده است: شرح الکبیر (المقاصد العلیّه)، شرح الوسیط و شرح الصغیر
ثانیاً: مراد از بعضی تصنیفات در اینجا همان المقاصد العلیّه است نه شرح‌های دیگر، چون میرزا در ادامه کلامش در صفحه ۵۴ می‌گوید: «ایشان همانچه را حقیر اختیار کرده‌ام وجیه شمرده است» و عبارت المقاصد العلیّه (ص ۵۳) چنین است:

«والمعتبر فی غسل الاعلی فالاعلی... و ان غسل ذلك الجزء قبل الاعلی من غیر جهته وجه وجیه»

۷- در صفحه ۲۴۹ میرزا فرموده است:

«روایتی که ابن بابویه به سند صحیح از ابان بن عثمان روایت کرده از ابی مریم انصاری عن ابی عبدالله علیه‌السلام... لیکن سند آن صحیح نیست»
و مصحح در پاورقی اظهار کرده‌اند:

«اگر سند این حدیث تا ابان اشکال نداشته باشد لا اقل در خود او اشکال هست...»

مصحح به خاطر عدم آشنایی به اصطلاحات علم درایه و حدیث، خیال کرده‌اند که میرزا سند این حدیث را صحیح دانسته و حال اینکه:
اولاً: این يك اصطلاح است که وقتی حدیثی به روایت وسطی اسناد داده می‌شود (مثل همین حدیث که گفته شده به سند صحیح از ابان بن عثمان) یعنی روایت آن حدیث تا این راوی همه صحیح است، نه اینکه حدیث صحیح باشد. پس اصطلاح میرزا صحیح بوده و خدشه‌ای به آن وارد نمی‌شود.
ثانیاً: خود میرزا متوجه این مسئله بوده است، چون در ذیل عبارتش آمده بود:
«لیکن سند آن صحیح نیست» یعنی به خاطر ابان بن عثمان.

.....

۶- رجوع شود به ذریعه، ج ۶، ص ۲۳؛ و ج ۲، ص ۲۹۷؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۱۴۴، و در نزد دوستان از هر سه شرح الفیه، نسخه‌ای موجود است.

۸- در صفحه ۳۲۱ آمده است: «چنانکه صحیحه یزید بن معاویه عجللی...»
مصحح در پاورقی همان صفحه و صفحات ۳۲۲ و ۳۲۳ چندین مرتبه تذکر
داده که «نام راوی اشتباه است و برید عجللی درست است».

لیکن اگر توجه بیشتری به علم رجال داشتند چنین نمی‌نوشتند، چون
عبارتی را که میرزا نوشته است این گونه است «برید بن معاویه عجللی» و این برید بن
معاویه هم با برید عجللی یکی است، چرا در متن کتاب «یزید بن معاویه عجللی»
ثبت می‌کنید تا اینکه دچار اشتباه شوید و خیال کنید که راوی حدیث «برید عجللی
است» نه «برید بن معاویه عجللی»، در این مورد که برید عجللی با برید بن معاویه
عجللی يك نفر هستند رجوع کنید به رجال نجاشی/۱۱۲ (تصحیح آیت الله شبیری
زنجانی)، معجم رجال الحدیث ج ۳/۲۸۵ - ۲۹۲، جامع الرواة ج ۱/۱۱۷ - ۱۱۹،
و دیگر کتب رجال. و نیز شبیه این مسئله در صفحه ۲۹۵ نسبت به «بکار بن کردم»
رخ داده است، که در متن کتاب «مکارم بن کروم» ثبت کرده‌اند.
و در همین صفحه (يك سطر به آخر) ضبط شده است «بکار ابن کروم» که
صحیح آن «بکار بن کردم» است.

۹- در صفحه ۳۳۷ آمده: «و نقل عن شرح الارشاد لفخر المحققين»
و محصح در پاورقی گویند:

«ممکن است عبارت بالا به این صورت باشد: و نقل فی شرح الارشاد
لفخر المحققين و نیز ممکن است به صورت و نقل فی شرح الارشاد عن فخر
المحققين باشد؛ زیرا هم فخر المحققين شرحی بر کتاب ارشاد پدرش (علامه)
نوشته و هم شاگرد او شرحی بر آن نوشته و اقوال فخر را در آن نقل کرده است».
با اندک دقتی روشن می‌شود که همان جمله «و نُقِلَ عن شرح الارشاد لفخر
المحققين» بلا شك صحیح است، و معنایش این است که این مطلب، از شرح
ارشاد حکایت شده است و لیکن من خودم در شرح ارشاد ندیده‌ام، و این به منزله
«وَحُكِيَ» است و آن دو جمله‌ای که مصحح احتمال داده، غلط است. و ثانیاً هیچ
شبهه‌ای نیست که مراد از شرح ارشاد، شرح ارشاد فخر المحققين است نه کس
دیگر.

۱۰ - در صفحه ۳۴، میرزا فرموده: «مثل صحیحہ ابوالعباس»

مصحح در پاورقی نوشته است:

«در مورد نام راوی، عباس صحیح است»

و حال اینکه این مطلب اشتباه، و کلام مؤلف صحیح است؛ زیرا در تمام مآخذ روایی ما «ابوالعباس» ضبط و ثبت شده است مثل تهذیب ج ۱/۲۲۵، استبصار ج ۱/۱۹، وسائل الشیعه ج ۱/۲۲۶ (چاپ ۳۰ جلدی مؤسسه آل البیت) و نیز رجوع شود به معجم رجال الحدیث ج ۱۳/۲۷۸ - ۲۷۹ و جامع الرواة ج ۲/۶. و اگر در وسائل ۲۰ جلدی بعثت اشتباه چاپی، نام راوی، عباس ذکر شده باشد نباید به طور قطع در پاورقی نوشته شود، بلکه باید به مآخذ روایت و یا کتب حدیثی و رجالی دیگر هم مراجعه، و آن وقت اظهار نظر شود.

۱۱ - در ص ۸۲ مرحوم میرزا می‌فرماید: «چون در ظاهر روایت ابی علی

جوانی، همین است...»

مصحح در پاورقی نوشته‌اند: «پس از جستجو در متون حدیثی از جمله وسائل، مستدرک وسائل، بحار الأنوار و... به دریافت این حدیث موفق نشدم و تذکر این نکته لازم است که باو [ابو] علی جوان جوانی از افراد نادر الحدیث است.»
اولاً: مصحح محترم حتماً کتاب من لا یحضره الفقیه (ج ۱/۴۰۸، چاپ غفاری) و تهذیب الاحکام (ج ۳/۵۵، چاپ دارالکتب الاسلامیه) را ملاحظه نکرده‌اند، چون حدیث ابی علی در این دو مصدر وجود دارد.

ثانیاً: هر چند ما راوییی به نام ابو علی جوان هم بین روات داریم، ولیکن همانگونه که در من لا یحضره الفقیه آمده است مراد از ابی علی، ابی علی الحرانی است نه «ابی علی جوان جوانی».

ثالثاً: این اشتباه مصحح به خاطر تصحیفی است که در چاپ قدیم و یک جلدی جامع الشتات (ص ۲۱) که مصحح، چاپ جدید را با آن مقابله کرده، رخ داده است، چون در چاپ قدیم، ابی علی «جوانی» آمده است اما معلوم است که این کلمه، تصحیف «حرانی» است مخصوصاً که حرف «ح» هم نقطه ندارد. علاوه بر اینکه در معجم رجال الحدیث (ج ۲۱ ص ۲۵۱)، راوی حدیث مزبور را ابی علی

الحرانی دانسته‌اند.

اشکالات تصحیح متن کتاب

۱ - در صفحه ۵۴ آمده است: «و آنچه از شرح الفقیه شیخ زین الدین (ره) معلوم می‌شود...»

اگر اندک توجهی می‌شد اسم کتاب اینگونه ضبط نمی‌گردید، چون اولاً شهید ثانی کتابی به نام شرح الفقیه ندارد، و ثانیاً هر چند که در چاپ قدیم کتاب جامع‌الشتات (ص ۱۳) به همین نحو (شرح الفقیه) آمده است، ولی مصحح بدون اینکه متوجه غلط بودن اسم کتاب باشد، آن را همانطور ثبت کرده است. و حال اینکه اسم صحیح کتاب شرح الفیه است، و اگر در تصحیح کتاب حداقل به يك چاپ دیگر جامع‌الشتات رجوع می‌شد این چنین اشتباهی رخ نمی‌داد؛ چون در جامع‌الشتات ۲ جلدی چاپ ۱۲۷۷، (صفحه ۱۴) اسم کتاب صحیح آمده است.

۲ - در صفحه ۲۵۵ آمده است:

«شهید (ره) در ذکری از کتاب عتاب سلطان الوری بسکان الثری که ابن طاوس [طاووس] تألیف کرده...»

همانطور که ملاحظه می‌شود نام تصحیف شده کتاب را نوشته‌اند، چون اسم کتاب «غیاث سلطان الوری لسکان الثری» است. و اشکال نشود که اشتباه چاپی است، چون در جامع‌الشتات حجری ص ۵۹ مثل همین جا «عتاب» ذکر شده است، کما اینکه در چاپ حجری ۱۲۷۷ هم «عتاب» آمده است، ولیکن می‌بایست کسی که تصحیح يك کتاب را به عهده می‌گیرد از نسخه‌های خطی و اطلاعات جامع و کافی در تمام زمینه‌ها برخوردار باشد، آن وقت دست به این کار عظیم بزند و الا همان طوری که مشاهده می‌کنید، اغلاط و اشتباهات فاحشی گریبانگیر افراد خواهد شد.^۷

۳ - در صفحه ۲۶۶ آمده است «و مرسله ابن ابی بکیر»

.....

۷ - رجوع شود به ذریعه، ج ۱۶، ص ۷۳ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۳.

این تعبیر غلط است و صحیح آن «مرسله ابن بکیر» می باشد و این هم اشتباه چاپی نیست، چون در چاپ حجری صفحه ۵۹ «ابن ابی بکیر» آمده است و بدون اینکه عبارت را تصحیح بکنند، همان طور غلط ثبت شده است.

۴- در صفحه ۳۲۱ آمده است «صحیح یزید بن معاویه عجللی»

این عبارت همان طوری که در چاپ حجری آمده اینجا هم ثبت شده است، و حال اینکه باید به این نحو باشد: «صحیح برید بن معاویه عجللی».

۵- در صفحه ۱۰۰ يك سؤال به طور کلی افتاده و جواب آن بدون سؤال آمده

است، و سؤال حذف شده بدینگونه است: «۲۲۷ - سؤال: هرگاه مضاف الیه یا صفت را مفلوط خواند، مضاف و موصوف را نیز تکرار کند یا نه؟»^۸

اشتباهات مقدمه کتاب

* ۱- در صفحه نه می خوانیم:

«آنگاه به شهر خوانسار منتقل می شود و در زمره شاگردان مرحوم سید حسین خوانساری صاحب روضات الجنات قرار می گیرد».

این مطلب اشتباه است، چون سید حسین خوانساری جد صاحب روضات الجنات است و نام صاحب روضات الجنات سید میرزا محمد باقر است. زمانی که میرزا به خوانسار منتقل شده بود، صاحب روضات الجنات هنوز بدینا نیامده بوده، چگونه می تواند از زمره شاگردان صاحب روضات الجنات باشد؟!

* ۲- در صفحه پانزده جزء شاگردان میرزا نوشته است:

«شیخ اسدالله شوشتری صاحب مقابیس، سید محسن اعرجی صاحب المحصول، کرباسی صاحب الاشارات، سید عبدالله شبر صاحب تفسیر شبر... و سید جواد عاملی صاحب مفتاح الكرامة»

و حال اینکه این افراد از میرزای قمی اجازه روایت داشته اند نه اینکه از

.....
۸ - جامع الشتات حجری (۱۳۱۱)، ص ۲۵، و در صفحه ۲۳ حجری چاپ ۱۲۷۷ به این نحو است «...تکرار نماید یا نه».

شاگردان میرزا باشند، و فرق است بین اشخاصی که از کسی اجازه روایت داشته باشند یا اینکه از شاگردان آن فرد محسوب شوند؟!۱

* ۳ - در صفحه شانزده می‌خوانیم:

«ظاهراً آنچه از آثار محقق قمی چاپ شده تنها قوانین الاصول و جامع

الشتات است»

غیر از این دو کتاب چندین کتاب و رساله از میرزا چاپ شده است، از آن

جمله است:

۱ - غنائم الایام که در سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۱۹ دو بار چاپ شده است.

۲ - مناهج الاحکام

۳ - ۲۰ رساله همراه با غنائم الایام در سال ۱۳۱۹ چاپ شده است.^۱

۴ - جوابات مسائل رکنیه که در کتاب قم نامه^۲ از صفحه ۳۲۵ به بعد به

چاپ رسیده است.

۵ - تحفه عباسیه^۳

۶ - قسمتی از رساله‌ای در رد پا دری نصرانی، و رساله‌ای در شرح حدیث

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۴

* ۴ - در صفحه شانزده در ردیف کتب میرزا آمده است: «۶ - معین الخواص،

مرشد العوام فارسی»

اینها دو کتاب هستند نه یک کتاب، و معین الخواص به زبان عربی و مرشد

العوام به فارسی است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* ۵ - در صفحه دوازده آمده:

پرتال جامع علوم انسانی

۹ - رجوع شود به مقدمه‌ای بر فقه شیعه صفحه ۳۲۴ - ۳۲۶ و فهرست کتابهای چاپی مشار.

۱۰ - قم نامه، مدرسی طباطبائی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۱ - این رساله در اولین مجموعه رسائل خطی فارسی (از صفحه ۷۷ تا ۱۰۷) توسط انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد به چاپ رسیده است.

۱۲ - رکن: قسم نامه، به نقل از مجله وحید؛ و نیز رجوع شود به مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره دوم.

«امروز قبر میرزا و ابن بابویه با چهار ردیف از دکان‌های بازار شیخان محصور است، و به نام قبرستان شیخان معروف است، و قبر ابن قولویه در پیاده رو خیابان ارم نزدیک به سه راه چهارمردان قرار دارد».

کسانی که قمی هستند و یا به قم تشریف آورده‌اند می‌دانند که قبر ابن بابویه در قبرستان شیخان نیست، و بین قبر میرزای قمی با قبر ابن بابویه چندین ردیف خیابان و کوچه و دکان فاصله است قبر ابن بابویه در پشت پاساژ ملت قرار دارد و در قدیم هم در قبرستانی به نام بابلان دفن شده بود نه شیخان کبیر و نه شیخان صغیر.^{۱۳}

و نیز مطلبی هم که در باره ابن قولویه نوشته شده اشتباه است، چون قبر ابن قولویه امروزه در پارک باغ ملی، روبروی مدرسه آیت الله گلپایگانی (دام ظلّه) قرار دارد، و شاید ایشان با قبر فرزند مرحوم لاهیجی صاحب شوارق که در پیاده رو خیابان ارم نزدیک به سه راه چهارمردان قرار دارد اشتباه گرفته‌اند و نیز در ادامه آورده‌اند که:

«قبرستان شیخان در اصل به خاطر ابن قولویه و ابن بابویه بدین نام خوانده شده لیکن امروز مراد از شیخان ابن بابویه و میرزا می‌باشد».

همانطوری که جلوتر ذکر شد اصلاً ابن بابویه در قبرستان شیخان دفن نشده‌است تا بمخاطر او آن‌مکان را بدین‌نام بخوانند. اینکه شیخان در قدیم و یا در حال به چه علت اطلاق می‌شده، و یا اینکه در قدیم شیخان صغیر و شیخان کبیر داشته‌ایم و در کنار این دو قبرستان، قبرستان بابلان نیز بوده است و... بحث مفصلی است که خارج از این مقاله است، اما خلاصه اینکه در شیخان فعلی چند تن از اصحاب ائمه که عبارتند از زکریا بن آدم اشعری، آدم بن اسحاق، ابو جریر زکریا بن ادیس و نیز میرزای قمی، دفن شده‌اند.

* ۶ - در صفحه هفده آمده:

.....

۱۳ - رجوع شود به منتخب التواریخ، ص ۹۲۹ - ۹۳۰ و دیگر کتب تاریخی که در باره قم نوشته شده است مثل تاریخ مذهبی قم، ص ۱۵۶.

«جامع الشتات اولین فقه مکتوب به زبان فارسی است که توفیق کامل یافته و مطلوب همگان گشته است».

جامع عباسی شیخ بهایی جلوتر از جامع الشتات مطلوب همگان گشته بود، به نحوی که صاحب جواهر از آن مطلب نقل می‌کند.
* ۷ - در صفحه نه آمده است:

«میرزای قمی در سال ۱۱۵۰ هجری قمری... متولد و در سال ۱۲۳۱ به درود حیات گفته است... البته در مورد تولد او سالهای ۱۱۵۱ و ۱۱۵۳ و در مورد وفاتش سال ۱۲۳۳ نیز در بعضی از متون ذکر شده است».

در مآخذ معتبر مثل روضات الجنات ج ۵/۳۷۹، تولد میرزا را در سال ۱۱۵۲ بر شمرده‌اند، که از آن تاریخ در اینجا نامی برده نشده و در مآخذ غیر معتبر سالهای ۱۱۵۰ و ۱۱۵۳ نام برده‌اند که اینجا هم آمده است، و در کتاب وحید بهبهانی ص ۲۰۶ ادعا شده که ولادت میرزا در سال ۱۱۵۶ بوده است. (العهدة علی الراوی).

* ۸ - در صفحه ده آمده است:

«شیخ عبدالمحسن (یا پسرش موسوم به شیخ مفید) مبلغ هفتاد تومان به میرزا کمک می‌کند»

این مطلب اشتباه است، چون در کتاب وحید بهبهانی صفحه ۲۰۲ (به نقل از روضة البهیه سید شفیع جابلقی) آمده است: «شیخ عبدالنبی و فرزندش شیخ مفید از وی پذیرایی نمودند و هفتاد تومان و بنا به نقلی دویست تومان به وی دادند» و یا در قصص العلماء ص ۱۸۱ آمده است: «و او را شیخ عبدالحسین با پسرش شیخ مفید اعانت...» همانطور که ملاحظه کردید اولاً شیخ عبدالنبی (عبدالحسین) بوده نه شیخ عبدالمحسن و ثانیاً «با پسرش بوده» نه «یا پسرش».

* ۹ - در صفحه نوزده و بیست آمده:

«نکته ضعف این کتاب به نکته ضعف خود مرحوم میرزا بر می‌گردد، اساساً سبک نگارش وی در حدّ خیلی بارز و مشخص دچار کمبود است... مثلاً معمولاً میرزا به جای (او) ضمیر (آن) را به کار می‌برد...»

اشکال یاد شده اصلاً بر مرحوم میرزا وارد نیست؛ زیرا روش نگارش شعراء وادبا و... قدیم هم چنین بوده است، و موارد بسیاری را می‌توان نمونه آورد که از آن جمله است ابو ریحان بیرونی در کتاب التفهیم. مصحح این کتاب استاد جلال‌الدین همائی در مقدمه (صفحه «ع») در این موضوع بحث کرده و چنین نوشته است:

ضمایر «او» و «وی» و «اند» و «اینان» در مورد عاقل و غیر عاقل و ذیروح و غیر ذیروح هر دو به کار رفته... رعایت ذیروح در این ضمایر اختصاص به شیوه متأخران دارد اما پیشینگان نه در نظم و نه در نثر رعایت این جهت را خاصه در ضمیر «او» و «وی» نمی‌کرده‌اند. نگارنده هر قدر دقت و تفحص کردم برای اختصاص «او» به ذیروح و «آن» به غیر ذیروح که در دستوره‌های تازه نوشته‌اند علت مقنعی نیافتم...

به خاطر طولانی نشدن مقاله از ذکر شواهد دیگر خودداری می‌شود.

* ۱۰- در صفحه بیست و هفت وقتی که فهرست مطالب کتاب را ذکر می‌کند

آمده است: «مسائل متفرقه، کتاب الصلاة...»

باید به این نحو باشد: «کتاب الطهارة، کتاب الصلاة...»

اغلاط چاپی و شبه چاپی

آنقدر کتاب پر از غلط‌های چاپی است که اگر تتبع صورت پذیرد و با چندین نسخه خطی و چاپی مقابله بشود آن وقت معلوم خواهد شد که در هر صفحه چندین غلط رخ داده است، و ما تنها نمونه‌ای از اغلاط ۳۰ صفحه اول کتاب با پاورقی کل کتاب (احیاناً متن کتاب) را بدون مقایسه با نسخه‌های دیگر می‌آوریم که مشتی است نمونه خروار و باعث تأسف است که این گونه میراث فرهنگی شیعه دست خوش بی توجهی قرار می‌گیرد.

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۶ (مقدمه)	۱۷	بتقلی	بتقلید	۲۴	آخر	اخباج	اخبار
۱۹ (مقدمه)	۱۸	تفر	تفرس	۲۵	آخر	اهما	انما
۲۴ (مقدمه)	۱۸	دارالامان	دارالایمان	۲۸	۱۱	آه را	آن را
۲۵ (مقدمه)	۱۹	رشن	روشن	۲۸	آخر	۱۰۴۷	۱۰۴۸
۱	۹	ار	از	۵۳	آخر	منصور	منظور
۳	۱۰	هدا	هذا	۱۰۶	۲۲	قضا؟	قضاء
۳	۱۴	ذاتیوتهما	ذاتیاتهما	۱۰۸	۲۲	نن	عن
۱۴	۱۰	سردن	بردن	۱۳۵	آخر	ج ۳	ح ۱۵۳
۱۷	۸	هچچند	هر چند	۱۳۶	۱۶	عنا	عنه
۱۷	۱۷	کەر	که در	۲۴۲	۲	ب احتلام	به احتلام
۱۸	۱۴	ولکه	ولکن	۲۴۳	۳	ابن زهره	ابن زهره
۱۹	۱۵	معمو	معفو	۲۵۰	۲۰	تذکره	تذکره
۲۰	۹	عضا،	عضو	۳۳۹	۷	غیرها	غیرها
۲۰	۲۱	مستوضی	متوضی	۳۵۲	۱۰	عی	علی
۲۰	آخر	جفان	جفاف ^{۱۴}	۳۵۴	۱۱	خالط	خالط
۲۱	۳	هه	نه	۳۵۴	۲۱	خالط	خالط
۲۳	۱۸	هیست	نیست	۳۵۵	۴	مراده م	مراد من
۲۳	۲۰	بهتج	بهتر	۳۹۷	آخر	جاد	جهاد

.....
 ۱۴ - ناگفته نماند که این مورد و چندین مورد دیگر، اشتباه چاپی محسوب نمی‌شود، چون در صفحه ۶ حجری جفان نوشته شده، و همانطور ثبت شده بدون اینکه متوجه معنای آن بشوند، و مراد جفاف است یعنی خشک شدن.

۱۵ - به جای علامت اختصاری حدیث (ح) در چندین صفحه از جمله صفحات: ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۸ (۲ مورد)، ۱۵۰، ۱۵۱ و... علامت اختصاری جلد (ج) آمده است.

و نیز در صفحه ۳۹۸ سطر چهار شماره سؤال و جواب ۴۸۰ نوشته شده است که صحیح آن ۴۸۲ است، در نتیجه از شماره ۴۸۲ به بعد تا پایان کتاب تمام شماره‌ها دگرگون می‌شود.

و نیز در صفحه ۴۲۴ سطر پنج شماره سؤال و جواب ۴۹۸ نوشته شده است که صحیح آن ۴۹۵ است، که در نتیجه تا پایان، شماره‌ها به غلط ثبت شده است.

ایراد و اشتباهات کلی و روشی

● ۱- در صفحه بیست و پنج آمده است:

«برای تصحیح این کتاب نیاز به نسخ خطی بود که متأسفانه دسترسی بدان حاصل نگردید»

از مصحح سؤال می‌کنیم آیا نسخه‌های این کتاب در هندواروپا بوده است که دسترسی بدان مشکل باشد، واقعاً جای بسیار تأسف است، کتابی که در قرن سیزدهم نوشته شده و دهها نسخه خطی آن در سراسر کشور موجود است باز ادعا شود که «دسترسی بدان حاصل نگردید». اگر مصحح اندک زحمتی به خود می‌دادند و به کتابخانه‌های دانشگاه و مجلس و مدرسه شهید مطهری (ره) مراجعه می‌کردند، بیش از ده نسخه خطی از جامع الشتات در این کتابخانه‌ها می‌یافتند.^{۱۶}

آیا سزاوار است کتابی که دهها نسخه خطی دارد و در قرن سیزدهم هم تألیف شده است، باز «پایه و ملاک در روند تصحیح، نسخه چاپ سنگی به خط مسیح حسینی سمنانی ۱۳۱۰ [۱۳۱۱]»^{۱۷} قرار گیرد.

سؤال دیگر ما این است که چرا نسخ چاپی دیگر را «پایه و ملاک در روند تصحیح» قرار ندادید، نسخ چاپی دیگر به مراتب بهتر و کم غلط‌تر از این چاپ ۱۳۱۱ است. نسخ چاپی جامع الشتات عبارتند از:

.....

۱۶- رك: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، صفحه ۳۲۴.

۱۷- مصحح تاریخ چاپ کتاب را در مقدمه کتاب ۱۳۱۰ نوشته‌اند، و این هم به خاطر این است که در مقدمه چاپ سنگی ۱۳۱۰ آمده است، اما در پایان کتاب تصریح شده که به سال ۱۳۱۱ چاپ شده است، و این چاپ معروف است به سال ۱۳۱۱ نه ۱۳۱۰ کما اینکه در فهرست کتابهای چاپی (مشار) ج ۲، ص ۱۴۹۶ و مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۳۲۴، سال ۱۳۱۱ آمده است.

- ۱- در سال ۱۲۳۶ق، ۸۶۱ صفحه، به خط ملا محمد خوانساری.
- ۲- در سال ۱۲۷۷ق، ۷۹۵ صفحه، به خط مهدی خوئی، این چاپ اخیراً در مجلد افست شده است.
- ۳- در سال ۱۳۱۱ق، ۸۲۴ صفحه، به خط مسیح حسینی سمنانی.
- ۴- در سال ۱۳۱۳، ۸۳۰ صفحه.^{۱۸}
- ۵- در سال ۱۳۰۳.
- ۶- در سال ۱۳۲۴.^{۱۹}

همانطور که ملاحظه شد اگر یکی از این نسخه‌های چاپی در کنار نسخه ۱۳۱۱ قرار می‌گرفت، چاپ و تصحیح کتاب به این نحو مفتضح نمی‌شد.

● ۲- در صفحه ۲۵ (مقدمه) ادعا شده:

«نشانی روایات و احادیثی که در جای جای کتاب مورد تمسک مؤلف قرار گرفته با تعیین شماره جلد و صفحه و نام منبع مشخص شده است» ولی به این وعده هم به طور کامل عمل نشده است و در صفحات بسیاری مأخذ روایات و حتی آیات نشان داده نشده است از جمله در صفحات: ۱۰۶، ۱۶۷، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۲، ۴۲۲ و دهها صفحه دیگر.

● ۳- در صفحه ۲۵ (مقدمه) ادعا شده:

«هیچ تغییر ویرایشی در سبک نگارش میرزا و یا الفاظ و عبارات وی به عمل نیامده و نباید می‌آمد» و حال اینکه اولاً ویرایش کتاب جزء ابتدائی‌ترین کارهایی است که باید مصحح انجام بدهد، ثانیاً چرا کلماتی مثل لك (مسالك) ضه (روضه) انش (انشاء الله) ح (حینئذ) ایض (ایضاً) و الظ (و الظاهر) و دهها کلمه دیگر تغییر یافته و از سبک اولیه و رسم الخط آنها خارج شده است. اما کلماتی که در حالت

.....
 ۱۸- برای چهار نسخه‌ای که معرفی شد، رك: فهرست کتابهای چاپی (فارسی، مشار)، ج ۲، ص ۱۴۹۶-۱۴۹۷؛ و مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۳۲۴.

۱۹- نسخه‌های شماره پنج و شش را حضرت آیت الله سید احمد زنجانی (ره) معرفی کرده است، چون آن مرحوم بر این دو نسخه و نسخه ۱۲۷۷ فهرستی نوشته است که در آخر افست ۱۲۷۷ به چاپ رسیده است. و به احتمال شماره پنج با شماره چهار، و شماره شش با شماره يك، یکی باشد.

اختصاری بودن ناخوشایند است مثل كك(كذلك) فكك(فكذلك) لایق(لا یقال) به همان نحو آمده است. و ثالثاً به آن ادعا هم عمل نشده است چرا که در نسخه حجری کلمه «سؤال» به این نحو نوشته شده است که صحیح هم است، ولیکن در این چاپ جدید به این نحو «سؤال» آمده که غلط است، همانطور که ملاحظه شد در مواردی که باید تغییر می‌داد رسم الخط را تغییر نداده، و در مواردی که صحیح بوده است، به اشتباه ثبت کرده است.

● ۴ - تصحیح کتاب از ابتدائی‌ترین مسائل ویرایشی، خالی است، ویرگول‌های بی‌مورد در سراسر کتاب دلالت بر عدم آشنایی با ویراستاری دارد، و از این قبیل است علامت سؤالهای بی‌معنا به این نحو(؟ - ؟ - ؟ - ؟) که در هیچ کتابی غیر از این کتاب نمی‌توان یافت.

و دهها مسئله ریز و درشت دیگر که از ذکر آنها خودداری شد، و اشتباهاتی که در هر بخش متذکر شدیم منحصر به این تعداد نمی‌شود، بلکه آنها را به عنوان نمونه ذکر کردیم و الا در هر بخشی دهها اشکال وجود دارد که حیف است عمر نویسنده و خواننده به خاطر تذکر آن اشتباهات تلف شود.

و در پایان از مسئولین مؤسسه کیهان می‌خواهیم که بودجه بیت المال را در تهیه و نشر کتابهایی که در تخصص آنان نیست صرف نکنند. و هر چه زودتر جلوی نشر مجلدات بعدی این کتاب را (اگر احیاناً در دست چاپ است) بگیرند؛ چرا که چاپ این کتاب با آن همه ایراد و اشکال، موجب وهن آن مؤسسه وزین گشته است. در خاتمه بر خود واجب می‌دانم که از آقای محسن صادقی که در تهیه و تنظیم این مقاله زحمت کشیدند، تشکر و قدردانی بنمایم.

